

توان امتناع

از پرداخت حقوق الهی

روی عن الصادق ^(ع) قال: «مَنْ مَنَعَ حَقًّا لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ انْتَفَى فِي بَاطِلٍ مُبْتَلًیْهِ»^(۱)

از امام صادق (ع) در روایتی منقول است که حضرت فرمودند: کسانی که حقوق الهیه را ادا نمی کنند، بدانند که در نظام قضای الهی اینچنین رقم خورده است که دو برابر آن را در باطل مصرف خواهند کرد؛ مثلاً در امور مالی، در باب انفاق‌های واجب و مستحب اگر یک تومان از حق الهی را که باید در راه خدا مصرف کنند، ندهند، بدانند که دو تومان در راه باطل مصرف خواهد کرد؛ چون آنچه را که در راه حق باید مصرف می‌کرد را منع نموده است. نظیر این روایت، روایات متعدد داریم.

در روایت دیگری از امام کاظم(ع) منقول است که حضرت فرمودند: «إِنَّا كُنَّا نَمْنَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، فَتَنَفَّقَ بَيْنَلَيْهِ فِي مَغْنَمِيَةِ اللَّهِ»(بحار الانوار ج۵،ص۳۲۰)
برهیز از اینکه آنچه در راه خدا باید صرف شود را مصرف نکنی! چرا؟!چشمت این است که دو برابر آن را در راه معصیت خدا خرج خواهی کرد. در روایت اول حضرت فرمودند: «فی باطلٍ مِثْلُیْهِ» اینجادراد: «مِثْلُیْهِ فی مَغْنَمِيَةِ اللَّهِ».در نظام قضای الهی، این‌طور رقم خورده است. خیال نکنی اگر حقوق الهیه را ندادی، این برای تو ذخیره‌ای خواهد شد. نهای خدا دو برابرش چاله درست می‌کند. چاله‌هایی را هم که درست کرده همه‌اش باطل و معصیت خواهد بود.

● پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)

۱(۱) وسائل الشیعه، ج ۹ ص ۴۳ روایت ۱۱۴۸۰ – کافی ج ۳ ص ۵۰۶

اولویت تبلیغ یا تعلیل در جامعه؟!

جامعه قرآنی جامعه تعلیلی است، به این معنا که هر چیزی که تعلیم داده و گفته می‌شود، با تبیین تعلیلی همراه است. این گونه است که در آیات قرآن برای هر حکم و آموزه‌ای، علل و چرایی آن بیان می‌شود و حکمت‌ها و اهداف و فلسفه احکام تبیین می‌گردد؛ زیرا برای ایجاد انگیزه در انجام کاری باید با بیان علت و حکمت و فلسفه، شخص را برای انجام آن آماده کرد. این گونه است که در آیات و روایات همواره علل و فلسفه احکام گفته می‌شود و کتاب‌هایی از جمله علل الشرائع مرحوم شیخ صدوق در این باره نوشته شده که روایات و آیات مربوط به علل و فلسفه احکام را توضیح می‌دهد و حکمت و هدف هر حکمی را بیان می‌کند. داشتن یک جامعه قرآنی مستلزم داشتن جامعه‌ای عقلانی است. از این رو حتی در مسئله تقلید و پذیرش اسوه، به این نکته توجه داده می‌شود که این تقلید و الگوبری باید براساس مبانی عقلانی و سازگار با آن باشد. اگر حضرت ابراهیم(ع) یا حضرت محمد(ص) به عنوان اسوه و سرمشق معرفی می‌شود، به دلیل مبانی عقلانی است که پشت سسر این قرآن و فرمان و حکم به وجوب تقلید و الگوبریزی از آنان وجود دارد. (احزاب، آیه ۲۱)

خداوند در آیه ۱۰ سوره ملک از دوزخیان، علت دوزخی‌شدنشان را این گونه نقل می‌کند: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ النَّارِ» و گویند: «اگر شنیده بودیم یا تفعل کرده بودیم در میان دوزخیان نبودیم.»

در این سنه با تأخیر در کاربرد تفعل پس از استماع به این نکته لطیف توجه می‌دهد که حتی شنیده‌ها را برای تفعل کرد و در محتوا و مفاد آن اندیشه نمود، این راهی است که جامعه قرآنی نشان می‌دهد. پس بر اساس این آیه و آیات بسیار دیگری که در قرآن بر تفعل و تفکر تأکید دارد (عد، آیه ۴؛ نحل، آیات ۱۲ و ۶۷)، جامعه قرآنی یک جامعه عقلانی و تفکری و تفعلی است. شکی نیست که فلسفه عقلانی همواره در هر مطلب و هر کاری به علل و چرایی و فلسفه آن توجه دارد و با تقلید کورکورانه و تکرار و تواترسازی در دام نمی‌افتد. اما یک جامعه غیرقرآنی به جای علت‌تعلل و تفکر را اصالت بخشد و به عنوان باموزد تا برای هر کاری علت‌جویی و علت‌خواهی کنند، به تبلیغ و تکرار یک مطلب رومی‌آورد. به عنوان نمونه در مسائل تغذیه به جای آنکه علل و چرایی مطلوب بودن یک ماده غذایی بیان شود، به تکرار و تواترسازی و افکارسازی به جای تفکر گرای، مردم را به خرید یک کالا یا ماده غذایی تشویق و ترغیب می‌کنند. در حقیقت ابزار تبلیغ، ابزار تحقیق جامعه است. مردم با تبلیغ رسانه‌ها و ابزارهای رسانه‌ای گمراه می‌شوند و به جای تفعل و تفکر، به تقلید کشیده می‌شود.

در مسائل سیاسی نیز تکرار مکرر عناوین از طریق بازی رسانه‌ای غرقه‌سازی، مردم را به تصمیماتی سوق می‌دهد که اهداف تبلیغ گران را برآورده می‌سازد. گفتنمان‌سازی دروغین انجام می‌دهند و به جای تفکر، به مردم فکر و اندیشه آماده می‌دهند. دقیقاً همان کاری را می‌کنند که در غذافروشی‌های آماده انجام می‌گیرد. مردم نه تنها ماهی‌گیری یاد نمی‌گیرند و آشپزی نمی‌آموزند، بلکه هر ماهی مرده و بیمار و غدای نامطلوبی را در دست مشتری می‌گذارند و مشتری چون نداند به همین رضایت می‌دهد.

در مسائل آموزشی نیز به جای تعلیم چگونه فکر کردن و تفکر و تفعل، در مدارس و دانشگاه‌ها به دانش آموز و دانشجو فکر و اندیشه می‌دهند که ای کاش فکر و اندیشه بود، بلکه چیزی را به جای فکر و اندیشه می‌دهند. حتی اگر فکر و اندیشه بدهند، دردی را درمان نمی‌کنند؛ زیرا جامعه را عقلانی نمی‌سازد و راه تفکر و تفعل را نمی‌آموزد. این گونه است که دانشجویان ما به جای تفکر و تفعل دنبال اندیشه‌ها می‌روند.

گریه غم و شادی

در آیات قرآن از دو نوع گریه سخن به میان آمده است: ۱. گریه با عاملیت غم و حزن؛ ۲. گریه با عاملیت سرور و شادی
هر چند خداوند بصراحت منشأ و خاستگاه خنده و گریه بشر را خود، دانسته و می‌فرماید: و انه هو اضعک و ابکی، و به راستی که او همان کسی است که می‌خنداند و می‌گریزند، (نجم، آیه ۴۳) اما عواملی را به عنوان خنده و گریه مطرح می‌کند.

مهم‌ترین عوامل گریه دو دسته از هیجانات در نفس انسانی است که در تضاد کامل با هم قرار دارند: هیجان شادی و هیجان اندوه. البته اینکه هیچ چیزی باعث می‌شود تا هیجان شادی یا اندوه در شخص وارد و خد خود معشوق و محبوبی باشد، هیجانی را اندوه ها و بسترهای ایجادیی هیجان شادی و هیجان اندوه به آن اشاره می‌کند. به عنوان نمونه هیجان شادایی ممکن است به سبب خبری بشارت‌بخش ایجاد شود. اگر این خبر بشارت‌بخش و مژده‌افزین دور از انتظار باشد شخص به سبب تعجب و شگفتی که به وی دست می‌دهد، هیجان‌زده شده و از روی شادی اشکی از چشمانش سرازیر می‌شود که از آن به اشک شادی و گریه شادی یاد می‌شود؛ اما اگر این خبر غیرمنتظره درباره از دست رفتن عزیزی چون فرزند و پدر و مادر و یا فراق معشوق و محبوبی باشد، هیجانی را اندوه در دل او به وجود می‌آید که موجب سرازیر شدن اشک غم می‌شود. تفاوت اشک شادی با اشک غم می‌این است که اشک غم و اندوه، گرم و شورت است و موجب گرمی می‌شود چنان‌که چشمان یعقوب(ع) به سبب شدت فراق فرزند و تسویل فرزندان دیگر و شدت اندوهی که از این امور به او دست داده بود، نابینا می‌شود (یوسف، آیه ۸۴)؛ اما اشک شادی که از آن به قرعین یاد می‌شود، خنک و شیرین است و موجب چشم روشنی می‌شود.(فراق، آیه ۷۴؛ سجده، آیه ۱۷)

غفلت از خداوند از مهم‌ترین عوامل ارتکاب معاصی و خسران عظیم در دنیا و آخرت است. مقاله پیش رو به بررسی مضرات و پیامدهای غفلت از خداوند از منظر قرآن کریم می‌پردازد.

اول: همراهی شیطان
(وَمَنْ يَنْشِ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ) «هر کس که از یاد خدای رحمان روی گرداند، شیطانی بر او می‌گمرایم که همواره همراهش باشد» (زخرف – ۳۶)
دوم: سختی در زندگی و کور محسورش شدن

در قیامت
(وَمَنْ أَغْضُرْ عَنْ ذِكْرِ فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ تَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَمٌ) «و هر کس که از یاد من اعراض کند، زندگیش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم.» (طه- ۱۲۴)

خودنمایی نماز برپا می‌کنند و در نماز- جز اندکی- خدای را یاد نکنند؛ بین نفاق و عدم یاد خدا ارتباط تنگاتنگ وجود دارد. بسا توجه به آیه مذکور به سه نکته دست می‌یابیم: الف) منافقان در نماز اکراه داشته و سستی می‌کنند که نشانگر گریز از یاد خدا می‌باشد؛ زیرا آنکه مشتتات یساد خدا و مناجات با اوست به نماز که مصداق بزرگی یاد خداست شوق نشان خواهد داد. ب) برای خودنمایی و ریا نماز می‌گذارند نه برای خدا. ج) عبارت دیگر برای یاد مردم نماز می‌گذارند نه برای یاد خدا. ارتباط و یاد خدا برای منافقان در قنّت و ناچیزی است (وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا) (همان) بنابراین با توجه به سه نکته‌ای که گذشت درمی‌یابیم که هر چه یاد خدا در انسان شدّت و قوّت گیرد، به همان

میزان نفاق کم‌رنگ‌تر می‌گردد.

پنجم: هدف شیطان
خداوند در آیه ۹۱ سوره ستم پیشگی و عدم امنیّت و خواری دنیوی و عذاب اخروی را به افرادی وعید می‌دهد که مانع از یاد خداوند در مساجد می‌شوند زیرا که فلسفه ایجاد مسجد و اماکن مذهبی یاد خداوند متعال است. «کیست ستمکارتر از آنکه نگذاشتن که نام خدا در مسجدهای خدا بردن شود، و در ویران ساختن آنها بکوشد؟ روا نیست در آن مسجدها جز بیمناک و ترسان داخل شوند و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است» (بقره- ۱۱۴)

و در مسورد عذاب غافلین از یساد خداوند در آیهای دیگر آورده شده است که: (لَنْتَقَهُنَّمْ فِیه وَ مَنْ يَغْضُرْ عَنْ ذِکْرِ رَبِّهِ يَشْلُکْهُ عَذَابًا ضَدًّا) «و هر که از ذکر پروردگارش اعراض کند او را به عذابی دشوار دراندازد» (جن- ۱۷)

واژه **صعد** در آیه، صفت برای عذاب قرار گرفته است و دلالت بر بزرگی و سهمگین بودن عذاب دارد.

چهارم: نفاق

طبق آیه ۱۴۲ سوره نساء «نهافقان خدا را فریب می‌دهند، و حلال آنکه خدا آنها را فریب می‌دهد. و چون به نماز برخیزند با اکراه و کاهلی برخیزند و برای

✽ قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و

اولادتان شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد، که هر که

چنین کند زیانکار است»



بازخریدیم». (صافات) – آیات ۱۰۲-۱۰۱)

هشتم: گمراهی آشکار
در آیه (فَوَيْلٌ لِلْغَافِلِينَ أَصْحَابُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَلَيْكُنْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) «وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دلهاشان راه ندارد، که در گمراهی آشکار هستند» (زمر- ۲۲) دو مطلب درباره افرادی که قلب هایشان خالی از یاد خداست مطرح شده است. اول اینکه به چنین اشخاصی واژه «ویل» نسبت داده شده است؛ که نوعی نفرین شمرده می‌شود و دوم آنکه در انتهای آیه خداوند متعال می‌فرماید که این چنین اشخاصی در ضلالت و گمراهی آشکار هستند. **نهم: اعراض پیامبر(ص)**
(فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا) «حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن!» (نجم- ۲۶) در این

مضرات دنیوی و اخروی غفلت از خداوند

■ **علی قنبریان**

ویژگی دوم: پیروی از هوای نفس؛ (وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ) در قلبی که یاد خدا نیست، خداوند محبوب آن قلب نمی‌باشد زیرا که یاد هر چیزی فرع بر محبت به آن شیء است. پس ضدّ آنکه محبت هوای نفس و دنیا است جایگزین می‌شود و چنین کسی از هوای نفس خویش پیروی می‌کند.

ویژگی سوم: اسراف و عدم تعادل می‌باشد: (وَ كَانْ أُمْرُهُ فَرْطًا).

خداوند در آیه ۱۸ سوره فراقان می‌فرماید: «گویند: مژه‌هی تو، ما را سزاوار نبوده است که جز تو کسی را به یاری بگیریم. تو خود آنها و پدرانشان را برخوردار ساختی، چنان که یاد تو را فراموش کردند و مردمی شدند به هلاکت افتاده» از نتایج غفلت از خداوند، هلاکت است. چنانچه ملاحظه می‌شود در آیه فوق، جمله (کأنوا فُورًا) مترتب بر جمله (حتی نَسُوا الذِّکْرَ و كأنوا فُورًا) آورده شده و بعد از آن ذکر شده است که دلالت بر این دارد که غفلت از خداوند سبب هلاکت شده است. در آیه دیگری چنین آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد، که هر کس چنین کند، زیانکار است» (منافقون – ۹) غفلت از خدا و فراموشی او

الفاظ رکیک و زشت تندخویی‌ها و ترویج مسابقه مد و چشم و همچشمی در نمایاندن لباس و تحریر که به اشتراک گزارن زیبایی‌های جسمی و در معرض قرار دادن آن، تهدید پاره‌ای از گناهان ناشی از بدحجابی و بدپوشی است که همه تضییع حق‌الناس بوده و شخص باید در محضر الهی در روز قیامت جوابگوی اشخاص زیادی باشد.

البته در سال‌های اخیر متأسفانه مقدار حجاب و پوشش سلیقه‌ای شده و این مطلب باعث شده طیف نسبتاً وسیعی از بانوان در تشخیص حجاب واقعی به اشتباه بیفتند.

حجاب واقعی همان است که از نظر مراجع تقلید شخص باید به هنگام نماز رعایت کند یعنی همانطور که به هنگام نماز حتی یک موی خاتمه‌ا را پیدا باشد، نماز باطل می‌شود، در بحث حجاب هم پوشیدگی مو باید کامل باشد.

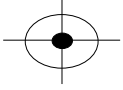
از طرف دیگر نوع حجاب نیز متأسفانه سلیقه‌ای شده و در این راستا ماتوها و سبوره‌های رنگارنگ و چسبان و روسری‌ها و شال‌ها و کش‌هایی که جلب توجه می‌کنند، افراد را دچار تزلزل در نوع حجاب می‌کند لیکن این ۳۱ سوره نور هرگونه بهانه‌ای را از بین می‌برد و از زنان خواسته شده که زبور و زینت خود را آشکار سازند که همانا منظور حجابی است که جلب توجه نکند و صد البته آرایش‌های مختلف و استفاده از عطر و ادکلن در معابر عمومی و هر چیزی که باعث جلب توجه شود از این قاعده مستثنی نیست.
رویدرری یکدیگر قرار گرفته‌اند: هر زنی که خود را خوشبو میداند و از منزل خارج شود تا زمانی که برمی‌گردد مورد لعنت (خدا و ملائکه) قرار می‌گیرد. (بحال‌الاوراج، ج ۱، ص ۲۴۷)

بنابراین بد حجابی و بی حجابی گناهی است که ثمرات شوم آن جامعه را فاسد می‌کند. در گناهی که جامعه را فاسد می‌کند ضایع کردن حق‌الناس است، در انتها با حدیثی از رسول گرامی (اسلام(ص) این نوشتار را پایان می‌بریم:

بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید زیرا هنگامی که آنان رودرری یکدیگر قرار گرفتند و با هم ارتباط داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت. (مسندک کالساجیل، ج ۱۴، ص ۲۴۶)

دشنی است که هیچ چیزی در آن نیست و انسان با اعمال صالح خود از تسبیحات و مانند آن، آن بهشتش را می‌سازد. این گونه است که بهشت هر انسانی مطابق اعمال اوست و براساس «جزاء وفاقا» نوعی تناسب میان عمل و جزاء وجود دارد(بنابه، آیه ۲۶)
خداوند براساس همین اصل می‌فرماید: إِنَّ أَحْسَنَ شَيْءٍ لِّلْفَاسِقِمْ وَأَنَّ أَشْأَنَهُمْ فَلَهَا إِذْ نَبِیْکَ کُنِیدَ، به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، به خود بد نموده‌اید.(اسراء، آیه ۷)
این لام که در «لافتسکم و فلهما» تکرار شده است، لام اختصاص است. به این معنا که عمل، عامل را می‌سازد و هر عملی از خوب و بد برای خود عامل است. پس نباید لام لام را لام نفع دانست و گفت لام دوم از باب مشاکله آمده است وگرنه باید علیها می‌آمد که بیانگر ضرر و زیان است.

از آیات قرآن به دست می‌آید که عمل آدمی هرگز عامل را رها نمی‌کند؛ چون جزو ذات او می‌شود. از همین روست که در این آیه لام تکرار می‌شود تا بیانگر این اختصاص عمل با عامل باشد



چراغ راه

بنده باشید

و برای خدا تکلیف تعیین نکنید!

یا عبادی! «عبدونی فیما امرتکم، و لا تعلمونی بما یصلحکم، فانی اعلم به، و لا ابخل علیکم بمصلحکم».

خدای متعال در حدیث قدسی می‌فرماید: ای بندگان من! عبادت کنید مرا در آنچه شما را به آن امر کرده‌ام و تعلیم من نکنید به آنچه صلاح شما است. زیرا من به مصالح شما داناترم و درباره آنها بخل نمی‌ورزم.^(۱)

۱- سخن خدا (کلیات احادیث قدسی)، آیت‌الله سیدحسن شیرازی، ص ۱۹۲

حکایت خوبان

لزوم تلاش برای کسب روزی حلال

علین عبدالعزیز می‌گوید: امام صادق(ع) روزی از من احوال عمرین مسلم را پرسید. عرضه داشتم: فدایت شوم، او از تجارت دست برداشته و به عبادت و نماز و راه دوری آورده است. امام فرمود: «وای بر او! آیا او نمی‌داند که هر کس به دنبال دنیا و کسب روزی حلال نرود، دعایش مستجاب نخواهد شد.»

سپس امام فرمود: «هنگامی که آیه «من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث یراه یشکسب» (طلاق – ۳) نازل شد، تنی چند از اصحاب پیامبر(ص) از کسب و کار دست کشیده و درها را به روی خود بسته، مشغول عبادت شدند تا خداوند متعال روزی آنان را از طریق عبادت برساند. هنگامی که رسول اکرم(ص) خبردار شد، آنان را احضار کرد و فرمود: شما به چه انگیزه‌ای از کسب و کار دست کشیده و از جامعه فاصله گرفته و به عبادت پرداخته‌اید؟! گفتند: یا رسول‌الله! خداوند روزی ما را تکفل کرده و ما هم به عبادت او روی آورده‌ایم! رسول خدا فرمود: «نه من فعل ذلک لم یتجب له، علیکم بالطلب» هر کس چنین کند دعای او پذیرفته نخواهد شد، بر شما یاد به طلب و کسب (روزی و درآمد)^(۱).

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳۳

پرسش و پاسخ

شرایط دریافت امدادهای الهی

پرسش:

راه دریافت الطاف و امدادهای الهی از منظر قرآن کریم چیست؟

پاسخ:

در قرآن برای دریافت الطاف و امدادهای الهی، راههای زیادی بیان شده است، از جمله:

۱. ایمان، قرآن می‌فرماید: خداوند دوست و سرپرست مؤمنان است و آنان را از هرگونه ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نورنجات می‌دهد. «الله ولیّ الذّین آمنوا یرحمهم من الظّلمات الی النّور» (بقره – ۲۵۷)
۲. قرآن نوری است که تدرّج و تلاوت آن، انسان را از تخیّر و بی‌نست نجات می‌دهد. «فَإِذَا تَدَبَّرَ الْقُرْآنُ أُمَّ عَلَى قُلُوبِ أَفْقَاهِا» «یا آنها در این قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا در دلهایشان قفل نهاده شده است»؟ (محمد – ۲۴)
۳. علم و فکر و مشورت هر کدام سهم وافری در هدایت انسان دارند. «وَأَوْفَرُّهُمْ سُؤْرَىٰ نَبِیْنَهُمْ» «و گویا هایشان به صورت مشورت در میان آنهاست» (شوری – ۳۸)
۴. قرآن، تقوا را وسیله کسب نور می‌داند، «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ یُبَدِّلْ لَکُم فُرْقَانًا» «اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت مساعدت حق از باطل قرار می‌دهد(روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهم شناخت)» (انفال – ۲۹)
۵. جهاد و تلاش وسیله راهگشایی‌های الهی است، «و الذّین جاهدوا فینا لنهّدینهم سبیلنا…» «آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد» (عنکبوت – ۶۹)
«ان تصروا الله ینصرکم» «اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند.» (محمد – ۷)

۶. اگر راهی را برای مردم بگشاییم، گشایش‌هایی را از جانب خداوند دریافت می‌کنیم. «فاسفوحا یفسح الله لکم» «وسعت بخشید، خداوند بهشت را) برای شما وسعت می‌بخشد» (مجادله – ۱۱)
۷. استغفار و توبه از گناهان، رمز دریافت نعمت‌های الهی است، «استغفروا ربکم…» برسرل التسماء علیکم مدبرا» «وای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرستد» (هود – ۵۲)
۸. ایمان و عمل صالح، کلید محبوبیت است، «الّ الذّین آمنوا و عمل الصّالحات یسجّل لهم الرّحمان ودا» «مسلمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محتجی برای آنان در دلها قرار می‌دهد»(احزاب – ۹۶)
۹. شهادت و جرات در انجام وظیفه، راههای جدیدی را بر روی انسان باز می‌کند. «تَقْوَاهُ اللَّهُ وَ یُعَلِّمُکُمُ اللَّهُ» «از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد.» (بقره – ۲۸۲)
۱۰. پدر و مادر و نیاکان با ایمان، زمینه کامیابی فرزندان آنهاست، پیامبر (موسی و خضر) دیوار خرابی‌ای را ریاگنار برای یتیمانی تعمیر کردند تا گنجی که از طرف پدر صالح آنان ذخیره شده بود، به ناهلان نرسد. «و کان أبوهما صالحا» (کهف – ۸۲) چون پدرشان صالح و نیکوکار بود، خداوند از طریق آن دو پیامبر، به نسل او خیر رساند.

سلوک عارفانه

سالک الهی توشه سفر آخرت را تدارک می‌بیند

(بدان ای سالک راه خدا) از این خواب برخیز و تیغظ و تنبه پیدا کن (از خواب غفلت بیدار شو). بدان که مسافری و دارای مقصدی، مقصد تو عالم دیگر است و تو را از این عالم خواهی نتخواهی می‌برند. اگر تهیه سفر و زاد و راحله آن را ندیدی، در این سفر درمانده شوی و در این سیر بیچاره نشوی. و الا فقیر و بیچاره و بینوا گردی و خواهی رفت به سوی شاولتی که سعادت ندارد، ذلتی که عزت ندارد، فقری که غنا دنباشی نیست، عذابی که راحتی ندارد، آتشی که خاموشی پیدا نکند، فشاری که برطرف شدن ندارد، حزن و اندوهی که خوشحالی در پی آن نیست، حسرت و ندامتی که آخر ندارد.^(۱)

۱- شرح چهل حدیث، امام خمینی(ره)، ص ۱۷۶